

فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی- پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و یکم، دوره جدید، سال هفتم
شماره دوم (پیاپی ۲۶)، تابستان ۱۳۹۴، صص ۱۲۴- ۱۰۹

بررسی نظام مالیاتی ساسانی و اصلاحات مالی خسرو انوشیروان

علی اصغر میرزایی *

چکیده

نوشتار حاضر به بررسی نظام مالیاتی دوران ساسانی و یکی از مهمترین رویدادهای تاریخ اجتماعی و اقتصادی تاریخ ایران می‌پردازد. در نظام مالیاتی ساسانی، مالیات بر زمین و مالیات سرانه مهمترین منبع درآمدی پادشاهی را تشکیل می‌داد. نوسان در درآمدهای مالیاتی، نبود نظام منظم و ثابت، دشواری در مدیریت بودجه و اندوخته مالی و ستم نسبت به کشاورزان، کواد را برانگیخت تا سیاست تغییر شیوه پرداخت مالیات را اجرا نماید. این خسرو بود که این سیاست را به کار گرفت و شیوه دریافت مالیات را از مقاسمه به پیمایش تغییر داد. تغییر در شیوه پرداخت، پیوند تنگاتنگی با احیای کشاورزی، اصلاح شبکه آبیاری و وضعیت زمین‌های پادشاهی داشت و نسبت به شیوه کهن مزایای قابل توجهی را برای دستگاه شاهی به همراه داشت. این نوشتار بر آن است تا به تحلیل این مسأله بپردازد که نظام مالیاتی پادشاهی ساسانی پیش از خسرو، از چه شیوه پرداختی بهره می‌برد و شیوه جدید چه مزایایی برای کشاورزان و پادشاهی داشت.

واژه‌های کلیدی

کواد، خسرو، نظام مالیاتی، مقاسمه، پیمایش / مساحی، مالیات سرانه. *پژوهش‌های تاریخی و ادبیات*
پرتال جامع علوم انسانی

* استادیار تاریخ دانشگاه اراک، ایران amirzaiy@gmail.com

پیشگفتار

پادشاهی خسرو انوشیروان یکی از نقاط عطف تاریخ ساسانی و دربرگیرنده رویدادهای مهمی در جامعه ساسانی است که نخستین سال‌هایش با سرکوب برادرانش، جم و کاووس بر سر جانشینی پدر و برقراری پیمان صلح سال ۵۳۲ م. میان ایران و بیزانس آغاز شد. خسرو چند سال نخست پادشاهی‌اش را به انجام اصلاحاتی سپری کرد که از مدت‌ها پیش، از زمان پیروز، بلاش و کواد آغاز شده بود؛ اما به نتیجه مطلوبی نینجامیده بود. اصلاحات پیروز و بلاش، گذرا و محدود، و برای کاستن فشار خشکسالی، قحطی و مالیات‌های سنگین بود. به همین دلیل، نه خشنودی پادشاه را به دنبال داشت و نه موجبات گشایش در کار مردم را فراهم آورد. کواد نخستین پادشاهی بود که متوجه نوسان درآمدهای مالیاتی پادشاهی شد و با وجود انجام مقدمات اصلاحات، به علت گرفتاری‌های فراوان و پیروی و مرگ، کاری از پیش نبرد و از پسرش، خسرو خواست که برنامه ناتمام وی را به سرانجام رساند.

زمانی که خسرو اصلاحات را شروع کرد، پادشاهی ساسانی از نظر اقتصادی، نظامی، دینی و اجتماعی در وضعیت مطلوبی به سر نمی‌برد و دچار آسیب‌های گسترده‌ای شده بود. وجود مرزهای گسترده، اقوام و ادیان گوناگون، نیروهای نظامی نیرومند و منابع اقتصادی فراوان، برای مدت‌ها پادشاهی ساسانی را به سدی استوار در برابر یورش‌های شرق و غرب تبدیل کرده بود؛ اما در سده پنجم میلادی شرایط به گونه‌ای رقم خورد که ناگزیر از تحمل دشواری‌های فراوان اقتصادی، نظامی و اجتماعی گردید. در این شرایط، خسرو کوشید اصلاحات گسترده‌ای را در بخش‌های گوناگون اقتصادی، نظامی، اجتماعی، دینی و فرهنگی پیاده نماید. اصلاح در نظام مالیاتی، مهمترین رکن برنامه اصلاحات اقتصادی خسرو انوشیروان بود و

رابطه مستقیمی با دیگر بخش‌های اصلاحات داشت. با اذعان به اهمیت فراوان اصلاحات خسرو در دیگر نهادهای جامعه ساسانی، این نوشتار بر آن است تا نخست به واکاوی نظام مالیاتی پادشاهی ساسانی، چگونگی شیوه دریافت مالیات‌ها و کاستی‌های آن تا پیش از خسرو و اقدامات اصلاحی خسرو در نظام مالیاتی ساسانی بپردازد و سپس در فرصت مناسب، دیگر بخش‌های اصلاحات اجتماعی، دینی و نظامی خسرو را نیز بررسی نماید. درباره اصلاحات خسرو، پژوهش‌های مفید و ارزنده‌ای انجام شده که می‌توان به کتاب *ایران در زمان ساسانیان* کریستن‌سن، *تاریخ اقتصاد دولت ساسانی* آلتهایم، و به‌ویژه به مقاله اصلاحات خسرو انوشیروان از زیو روبین اشاره کرد. برخلاف پژوهش‌های بالا، رویکرد این نوشتار به واکاوی بخش‌های گوناگون نظام مالیاتی ساسانی، خواه پیش از خسرو و خواه پس از خسرو، کاستی‌ها و معایب آنها و سرانجام تاثیر آنها بر جامعه ساسانی، معطوف است. منابعی که به اصلاحات خسرو انوشیروان پرداختند، متاخر و درجه دوم هستند. منابع همزمان، توجهی به اصلاحات خسرو نداشتند و تنها گزارش همزمان درباره اصلاحات خسرو، گزارش کوتاه و مبهم پروکوپیوس است که در عبارت‌هایی کلی و نسبتاً نکوهشگرانه، خسرو را فردی توصیف می‌کند که « طرز فکری عجیب داشت و بی‌اندازه مایل به چیزهای تازه و بدعت‌های نوظهور بود». (پروکوپیوس، ۱۳۶۵: ۱۰۶). در مقابل، منابع متاخر ایرانی و عربی رویکردی ستایش‌آمیز نسبت به شخص خسرو و اصلاحات او دارند و تلاش کرده‌اند او را پادشاهی آرمانی و شاه الگو و نمونه برای دوره‌های معاصر خود به تصویر کشند. مهمترین این منابع عبارتند از: *تاریخ طبری*، *تجارب‌الامم مسکویه*، *تاریخنامه طبری*، *تاریخ یعقوبی*، *مروج‌الذهب مسعودی*، *صوره الارض ابن حوقل*، *اخبار الطوال دینوری*، *شاهنامه فردوسی* و *تاریخ ثعالبی*.

نخستین بار در زمان داریوش بزرگ بود که نظام پرداخت مالیات بر پایه نظم و ترتیب قرار گرفت و پرداخت‌کنندگان مالیات موظف شدند مالیات خود را بر اساس فرمان‌های شاه پرداخت کنند (بریان، ۱۳۸۱: ج ۶۵۰/۱-۶۰۸). با وجود این، در زمان اشکانیان و ساسانیان نیز نظام مالیاتی منظم و ثابتی وجود نداشت و حکومت ناگزیر بود بسیاری از تنگناهای مالی خود را با اعمال مالیات‌های سنگین، فوق‌العاده و بیرون از قاعده تامین کند.

از نقاط ضعف حکومت‌ها در دریافت مالیات‌ها، وجود نیروهای محلی و خاندان‌های حکومتگر بود که راه را بر هر گونه کامیابی قدرت مرکزی در برپایی نظام مالیاتی ثابت می‌بستند و در عمل بخش فراوانی از مالیات‌ها را به خود اختصاص می‌دادند. نبود یک نظام مالیاتی منظم و ثابت، یکی از ویژگی‌های پایدار و برجسته در تاریخ اقتصادی ایران بوده‌است و نظام مالیاتی در ایران همواره از یک رشته دشواری‌های گسترده، مانند: عدم تعیین دقیق میزان مالیات، عدم تناسب مالیات با درآمد پرداخت‌کننده مالیات، عدم ثبات در میزان مالیات، نامشخص بودن یا متغیر بودن زمان پرداخت مالیات، شمار فراوان فرآورده‌ها و کالاها مشمول مالیات و مهمتر از همه، مستثنا بودن بخش بالای جامعه از پرداخت مالیات رنج برده‌است.

اصلاح مالیات و سیاست‌های مالیاتی خسرو

سرکوب مزدکیان و انجام اصلاحات، نقطه آغاز آگاهی ما درباره نظام مالیاتی دوران ساسانی است و منابع تا پیش از این، یا کاملاً خاموش هستند یا گزارش‌های ناچیزی به دست می‌دهند. تقریباً بیشتر منابع ایرانی و عربی و پژوهشگران در این نکته همدستانند که اصلاحات خسرو در نظام مالیاتی، درست پس از سر و سامان دادن به آشفته‌گی‌های جنبش مزدکی انجام

در این بین، گزارش طبری به دلیل آگاهی‌های جزئی و غنی که به دست می‌دهد، برای بازسازی جزئیات اصلاحات خسرو در زمینه امور مالی و اجتماعی اهمیت بسزایی دارد. این گزارش، نوعی مقایسه میان نظام مالیاتی کهن ساسانیان و نظام جدیدی است که خسرو، بانی آن بود.

مالیات و مالیات‌بندی

امروزه بر کسی پوشیده نیست که بخش مهمی از بنیاد اقتصادی یک حکومت، بر درآمدهای مالیاتی مبتنی است. مالیات سهم یا بخشی از درآمد یا دارایی است که به موجب اصل همکاری و بر اساس قانون، هر کس موظف است برای تامین هزینه‌های عمومی، حفظ منابع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و به طور کلی برای اداره جامعه، به حکومت پرداخت نماید. بنابراین، مالیات جنبه‌های اجباری و آمرانه دارد و یک عمل ارادی و اختیاری نیست (موسی‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۲؛ گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۱-۷۴۰؛ فرهنگ، ۱۳۵۴: واژه tax). هدف حکومت نیز از گردآوری مالیات تنها انباشت پول و درآمدزایی نیست؛ بلکه حکومت از درآمدهای مالیاتی برای رفع نیازهای عمومی اقتصادی، نظامی، اجتماعی و غیره بهره می‌برد. در گذشته مالیات به صورت جنسی و نقدی دریافت و مانند امروز بر بیشتر فعالیت‌های اقتصادی، مانند: کشاورزی، پیشه‌وری، بازرگانی و دادوستد کالاها اعمال می‌شد. به شیوه یا ابزاری که حکومت برای اجرا و دریافت مالیات و همچنین، برای مصرف درآمدهای به دست آمده به کار می‌گیرد، مالیات‌بندی گفته می‌شود (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۷۴۱). در تاریخ ایران دریافت مالیات همواره مهمترین منبع درآمدی حکومت‌ها بوده؛ گرچه با وجود پیشینه کهن نظام مالیاتی، بستن مالیات و دریافت آن هیچ‌گاه مبتنی بر قواعد و مقررات ثابت و استواری نبوده‌است. گویا

در سنگ‌نوشته شاپور در کعبه زرتشت به آن اشاره شده است (عریان، ۱۳۸۲: SKZ 11.3-4). در پارسی نو این واژه به شکل باژ، باج و باز باقی مانده است (حدود العالم، ۵۶؛ شاهنامه، ۱۹۶۷: ج ۵۸/۸؛ مکنزی، ۱۳۸۳: ۵۰؛ باقری، ۱۳۸۰: ۹۶). واژه ساو/سای/ساگ/ساک را می‌توان در کارنامه اردشیر پاپکان، گزارش شترنج و آمدن شاه بهرام ورجاوند یافت (کارنامه، ۱۳۷۸: ۵-۱۳۴، ۱-۱۴۰؛ عریان، ۱۳۸۲: ۱۲۷، ۲۹۱، بندهای ۳، ۷، ۳۶؛ ۱۶۰، ۳۳۴، بند ۱).

سنگ‌نوشته کعبه زرتشت و متون پهلوی نشان می‌دهند که در زمان ساسانیان باج و ساو را برای دریافت مالیات و غرامت به کار می‌بردند. در کتب تاریخی فارسی نیز واژه‌های باج، باز و ساو به کار رفته است. (مستوفی، ۱۳۳۹: ۴۳۳، ۵۱۸؛ گردیزی، ۱۳۴۷: ۷۲، ۷۷، ۸۶؛ مجمل‌التواریخ، ۱۳۸۳: ۵۱، ۳۹۴، ۵۱۷) این در حالی است که در کتب تاریخی عربی، برای دریافت غرامت و مالیات، واژه خراج به کار رفته است. (طبری، ۱۳۶۲: ج ۷۰/۲؛ مسکویه، ۱۳۶۹: ج ۱/۱۶۶؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۷۰ و ۷۱؛ یاقوت، ۱۹۷۹: ج ۴/۲۷۳). مورخان ایرانی و عربی، خراج را به معانی گوناگونی، مانند: درآمد و بودجه کل قلمرو اسلامی، درآمد مولد حکومت، جزیه، اجاره زمین و مالیات کلی که حکومت می‌گرفت، به کار برده‌اند. برخی نیز خراج را در معنی پرداخت مالیات از سوی اهل ذمه به کار گرفتند (اجتهادی، ۱۳۴۹: ۳۳-۲۶؛ همو، ۱۳۶۳: ۲۲۶؛ ابریشم‌کار). خراج عنوانی کلی است و پاره‌ای از پژوهشگران برای روشن شدن تمایز میان انواع خراج، آن را به خراج جزیه‌ای، خراج اجاره‌ای و خراج به معنی مالیات تقسیم نموده‌اند (اجتهادی، ۱۳۴۹: ۶-۴۳ و ۵۳). جزیه و خراج، هر دو نظام‌های مالیاتی دوران ساسانی بودند که در زمان خسرو منظم شدند و اعراب پس از گشودن ایران و آشنایی با قواعد و مقررات آنها، به الگوبرداری مستقیم

گرفت (طبری، ۱۳۶۲: ج ۷۰/۲؛ مسکویه، ۱۳۶۹: ج ۱/۱۶۶؛ ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۷۱-۷۰؛ یاقوت، ۱۹۷۹: ج ۳/سواد، ۴-۲۷۳؛ بلعمی، ۱۳۸۳: ج ۱/۱-۶۸۰؛ کریستن‌سن، ۱۳۷۵: ۹۰-۴۸۵؛ نولدکه، ۱۳۷۸: ۱۹۰؛ کلیما، ۱۳۸۶: ۳۰۸؛ ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۲۱۷-۲۱۵؛ فرای، ۱۳۸۲: ۵۱۸؛ شیمان، ۱۳۸۳: ۵۸). به باور زیو روبین، رویداد کارآمد و نیرومندی می‌بایست رخ داده باشد تا شاه را قادر ساخته باشد بر اشرافیت نیرومند کشور که تاکنون با کامیابی راه را بر آغاز هر گونه دگرگونی می‌بست، چیره شود. شورش مزدکیان در زمان پدر خسرو، توجیه لازم برای این رویداد را به دست می‌دهد (Rubin, 14995: P.228).

در گزارش‌های منابع پیرامون اصلاح نظام مالیاتی، به خوبی می‌توان مقایسه میان نظام مالیاتی کهن و نظام جدید را دریافت. این گزارش‌ها با اینکه کوتاه و دارای پاره‌ای ابهامات هستند و حتی از عناصر داستانی نیز خالی نیستند؛ اما مکمل یکدیگرند و می‌توانند برای آگاهی از چارچوب کلی نظام مالیاتی و برخی از اجزای آن مثمرتر باشند. نظر به اینکه منابع بر اصلاح نظام مالیاتی تاکید دارند و اقدام کواد و خسرو را دستاوردی بزرگ گزارش می‌کنند، بایسته است نخست، به بررسی نظام مالیاتی پیش از خسرو بپردازیم و سپس بر اصلاحات مالی خسر و تمرکز کنیم.

نظام مالیاتی پادشاهی ساسانی

در متون پهلوی، واژه‌های باژ/باج، ساک / ساو/سای و حراگ/ خراج به نوعی برای پرداخت غرامت و مالیات به کار رفته‌اند. واژه باژ/ باج در پارسی باستان و سنگ‌نوشته‌های داریوش، به شکل باجی (b ji) و به معنای بخش و سهم آمده است. (کنت، ۱۳۷۹: ۶۴۶؛ Floor, 2011: Vol. III/b j (2), 531-2) این واژه در پهلوی به شکل باژ/ b ž آمده و نخستین بار

از آنها روی آوردند (طبری، ۱۳۶۲: ج ۲/۴-۷۰۲؛ ابن اثیر، ۱۳۷۴).

مالیات و شیوه‌های پرداخت آن

منابع به ما می‌گویند که نظام مالیاتی ساسانی دو دوران متمایز را پشت سر گذاشت: دوران پیش از خسرو و دوران پس از او. وجه تمایز منابع، اصلاحاتی است که کواد و خسرو در نظام مالیاتی پدید آوردند و از دید آنها، این کار چنان اساسی و بنیادین انجام گرفت که نظام مالیاتی ساسانی را نسبت به پیش از خسرو، کارآمدتر و پویاتر ساخت. نظام مالیاتی ساسانی مبتنی بر دریافت خراج بود. خراج، درآمد مالیاتی بود که شاهان ساسانی از برخی از اقشار جامعه دریافت می‌کردند. خراج یا مالیات بر زمین‌های کشاورزی، مهمترین درآمد پادشاهی ساسانی بود که ابتدا به شکل جنسی و سپس هم جنسی و هم نقدی از پرداخت‌کنندگان خراج دریافت می‌شد. به گزارش منابع پیش از کواد و خسرو، خراج به شکلی منظم دریافت نمی‌شد و پادشاهان از درآمد ثابت و مطمئنی که آنها را از تنگناهای مالی برهاند یا از تحمیل مالیات‌های فوق‌العاده باز دارد، برخوردار نبودند. شیوه‌ای که برای دریافت خراج به کار گرفته می‌شد، بر پایه مقاسمه بود. این شیوه تا زمان کواد پایدار بود تا اینکه وی در پایان پادشاهی خود تصمیم گرفت این شیوه را کنار گذارد و اصلاحاتی در نظام مالیاتی پدید آورد (Schindel, 2013: 136-141). برخی نویسندگان اسلامی، مانند: بلعمی، ابن حوقل، یاقوت و دیگران، مهربانی و رافت کواد نسبت به کشاورزان را علت کنار گذاشتن نظام مقاسمه گزارش کرده‌اند (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۷۱-۷۰؛ یاقوت ۱۹۷۹: ج ۳/۴-۲۷۳؛ بلعمی، ۱۳۸۳: ج ۱/۱-۶۸۰؛ ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۲۳۲).

چگونگی آگاهی کواد از ناکارآمدی شیوه مقاسمه، در

داستانی نمادین و به قصد نشان دادن بدبختی کشاورزان و پرداخت‌کنندگان مالیات بازتاب یافته‌است. داستانی که بازتاب سنتی قوی در پیوند با حساسیت کواد نسبت به رنج و غمزدگی رعایا برای پذیرش باورها و آموزه‌های مزدک از یک سو و پیشگامی‌اش در اصلاح مالیات از سوی دیگر است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱-۷۰؛ یاقوت ۱۹۷۹: ج ۳/۴-۲۷۳؛ بلعمی، ۱۳۸۳: ج ۱/۱-۶۸۰؛ ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۲۳۲) در حالی که برخی مانند طبری و مسعودی و مسکویه دلیل این کار را عزم کواد و خسرو برای برخورداری از درآمد ثابت و مطمئن دانسته‌اند (طبری، ۱۳۶۲: ج ۲/۴-۷۰۲؛ مسعودی، ۱۳۷۴: ج ۱/۱-۲۶۴) دلایل کواد و خسرو برای تغییر نظام دریافت مالیات، خواه بر اساس رافت شاهانه و یا بر اساس مصالح پادشاهی، بیانگر نواقص و معایبی بود که نظام مقاسمه را ناکارآمد ساخته بود. چند گزارش کوتاه و متاخر درباره نظام مقاسمه در دوران ساسانی در دست است که می‌تواند به ما در واکاوی و بررسی این نظام کمک نماید.

به گزارش طبری «پیش از پادشاهی انوشیروان، شاهان پارسی به نسبت آبادی و آبیگری، از ولایتی یک سوم خراج می‌گرفتند و از ولایتی یک چهارم و از ولایتی یک پنجم و از ولایتی یک ششم، و باج سرانه مقدار معین بود. و شاه کواد پسر پیروز در اواخر پادشاهی خویش بگفت تا زمین را از دشت و کوه مساحی کنند تا خراج آن معین باشد و مساحی شد؛ ولی کواد از آن پیش که کار مساحی به سر رسد بمرد» (طبری، ۱۳۶۲: ج ۲/۴-۷۰۲). بلعمی می‌گوید موبدان موبد و وزیران همراه کواد به وی پیشنهاد دادند که «زمین‌های همه مملکت و رزها مساحت کنی تا همه چند جفت بود، و درختان بارور بشماری تا چند بود. پس بر هر جفتی زمین یک درم یا دو درم و سه درم کم و بیش چنانکه واجب آید، به حکم تنگی زمین و نزدیکی و دوری آب

تا هر چه خواهند کنند. وظیفه بر ایشان درم بود؛ هر گه که خواهد بستاند. کواد گفت: چنین کنید، و به خانه شد و مساحان را گرد کرد تا همه پادشاهی را مساحت کنند، و این به آخر عمر کواد بود، و او را مرگ فراز آمد و مساحت هنوز تمام نکرده بود. پس چون دانست که پیر شد و بخواهد مردن، انوشیروان را بفرمود به وصیت که این مساحت را تمام کن و این وظیفه خراج بر نه» (بلعمی، ۱۳۸۳: ج ۱/۸۰-۶۷۹). به گفته ابن حوقل و یاقوت «زمین‌های پارس در زمان کهن و پیش از اسلام تا روزگار کواد، پدر انوشیروان، به طریق مقاسمه بود... و او فرمان داد که همه فارس به صورت مقاطعه و خراج باشد» (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۱-۷۰؛ یاقوت، ۱۹۷۹: ج ۳/۴-۲۷۳). ماوردی نیز می‌گوید، در روزگار فرمانروایی ایرانیان، در منطقه سواد نظام مقاسمه برقرار بود تا آن که کواد زمین‌ها را پیمایش کرد و بر آن خراج مقرر داشت (ماوردی، ۱۳۸۳: ۳۴۹). او پس از گزارش داستان سبب پیدایش نظام پیمایش و خراج، اشاره می‌کند که «کواد به وزیرانش دستور داد زمین‌ها را به گونه‌ای که سهم مالیات حاصل از آن با درآمد حاصل آمده از نظام مقاسمه برابری کند، پیمایش کنند تا هر کس بتواند در هنگام نیاز به ملک خود و محصول به دست آمده از آن دست زند» (ماوردی، ۱۳۸۳: ۳۵۰). ناکارآمدی شیوه مقاسمه و آغاز پیمایش زمین‌ها به دستور کواد و به پایان رساندن آن در زمان خسرو، نقطه مشترک بیشتر منابع اسلامی است. بر اساس این منابع، اندازه‌گیری زمین‌ها به اجرای شیوه پیمایش انجامید. بنابراین، ما شاهد دو شیوه پرداخت در نظام مالیاتی ساسانی هستیم: مقاسمه / مساهمه، پیمایش / مساحی. شیوه مقاسمه که پیش از کواد رایج بود و شیوه دیگر از زمان کواد و خسرو به اجرا گذاشته شد. در اینجا نخست به بررسی شیوه مقاسمه و تاثیر آن در نظام مالیاتی ساسانی خواهیم پرداخت و سپس ضمن بررسی

شیوه پیمایش، اقدامات کواد و خسرو را در اصلاح نظام مالیاتی تشریح خواهیم نمود.

مقاسمه: مقاسمه یکی از شیوه‌های ارزیابی و برآورد مالیات بود که بر اساس آن، حکومت مالیات را بر پایه میزان محصول دریافت می‌کرد. به سخن دیگر، مبنای مالیات زمین در شیوه مقاسمه، گونه‌ای شراکت در محصول و دریافت نسبی بخشی از محصول زیر کشت به صورت جنسی بود. حکومت و کشاورز، هر دو از محصولی که کارگزاران مالیاتی حکومت آن را ارزیابی می‌کردند، سهم می‌بردند. در شیوه مقاسمه، شرط اصلی پرداخت مالیات، میزان محصول، و زمان پرداخت آن نیز هنگام برداشت محصول بود (ماوردی، ۱۳۸۳: ۳۰۵). بنابراین، کارگزاران مالیاتی درست هنگام برداشت محصول حضور پیدا می‌کردند و با در نظر گرفتن عواملی گوناگونی مانند: آبادی و آبیگری زمین، باروری زمین، فراوانی و خوبی محصول، دوری و نزدیکی زمین‌های کشاورزی به شهرها، رونق بازار و چگونگی آبیاری، محصول را در خرمن و میوه را پیش از چیدن، ارزیابی و نسبت به تعیین و دریافت مالیات اقدام می‌کردند (طبری، ۱۳۶۲: ج ۲/۴-۷۰۲؛ مسکویه، ۱۳۶۹: ج ۱/۱۶۶؛ دینوری، ۱۳۸۱: ۱۰۰؛ ماوردی، ۱۳۸۳: ۳۰۵؛ قمی، ۱۳۶۱: ۱۷۹). این ارزیابی و دریافت مالیات از یک ششم تا یک سوم در نوسان بود و همچنانکه منابع می‌گویند از ولایتی یک سوم، از ولایتی یک چهارم و از ولایتی یک پنجم و از ولایتی یک ششم خراج می‌گرفتند (طبری، ۱۳۶۲: ج ۲/۴-۷۰۲؛ مسکویه، ۱۳۶۹: ج ۱/۱۶۶؛ جهشیاری، ۱۴۰۸: ۴).

نگرانی و عزم شاه برای تغییر شیوه پرداخت مالیات ناشی از زیان‌های جبران‌ناپذیری بود که شیوه مقاسمه برای شاه و کشاورزان به همراه داشت؛ شاه برای دریافت مالیات، از یک ششم تا یک سوم، وابسته به فرآورده‌هایی بود که بسته به میزان آب و مرغوبیت

زمین، دارای نوسان بودند و این نوسان در میزان محصول، به تفاوت درآمدهای مالیاتی از یک سال به سال دیگر منجر می‌شد و در عمل پادشاهی را در مدیریت بودجه سالانه و اندوخته مالی با دشواری روبه‌رو می‌ساخت (Dandamayev, Gyselen, 2012; 639-646; Rubin, 2009). کشاورزان نیز به دلیل انتظار برای آمدن کارگزاران مالیاتی، ناگزیر بودند از برداشت فراورده‌های کشاورزی خودداری کنند و در عمل شاهد تباه شدن محصول خود باشند. این شیوه، دشواری‌های دیگری را نیز به همراه داشت؛ از یک سو با همه ایلات نیز در پرداخت مالیات به یکسان رفتار نمی‌شد و برخی ایلات ناگزیر بودند مالیات زمین بیشتر؛ یعنی یک سوم را پرداخت نمایند. از سوی دیگر، این شیوه به کارگزاران مالیاتی اجازه می‌داد تا نسبت سهم حکومت را بیشتر ارزیابی کنند و بخشی از محصول را برای خود بردارند. کارگزاران بیشتر نمایندگان بزرگان و اشراف زمینداری بودند که پیش از خسرو اداره امور مالی پادشاهی را در دست داشتند و ریاستشان با واستریوشانسالار بود. گویا در شیوه مقاسمه، این بزرگان زمیندار بودند که بر زمین مالیات می‌بستند و درصد اندکی از مالیات را با توجه به فاصله زمین‌ها از مرکز، به پادشاه پرداخت می‌کردند (Dandamayev, Gyselen, 2012: 639-646). این شرایط کواد را برانگیخت تا با پیمایش زمین‌ها، شیوه گردآوری مالیات را تغییر دهد.

پیمایش / مساحی: دستور کواد به پیمایش و اندازه‌گیری زمین‌ها موجبات تغییر شیوه پرداخت از مقاسمه به مساحی را فراهم نمود. اقدامی که درباره جزئیات آن نمی‌توان از گزارش‌های موجود آگاهی چندانی به دست آورد؛ زیرا پیمایش زمین‌ها در یکی دو جمله کوتاه، کلی و مبهم خلاصه شده‌است. بر اساس منابع، کواد دستور داد تا مساحان، زمین را از دشت و کوه

بیمایند تا مردم باج بر پایه آن گزارند (مسکویه، ۱۳۶۹: ج ۱/۱۶۶؛ طبری، ۱۳۶۲: ج ۲/۴-۷۰۲؛ دینوری، ۱۳۸۱: ۱۰۰؛ بلعمی، ۱۳۸۳: ج ۱/۸۰-۶۷۹؛ یعقوبی، ۱۳۸۲: ج ۱/۲۰۳؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۴: ج ۵/۱۰۷). عزم کواد به پیمایش زمین‌ها جدی بود؛ اما دستور او به پیمایش دشت و کوه، گمانه‌زنی‌ها را دامن می‌زند و به ما اجازه می‌دهد گمان بریم که همه زمین‌های شاهی، زمین‌های بزرگان و اشراف، آتشکده‌ها و زمین‌های کشاورزان خرد و فرودست نیز که در دشت و کوه واقع شده بودند، جزو برنامه پیمایش قرار داشتند و هیچ استثنایی لحاظ نشده بود. می‌توان فرض کرد که تا پیش از تغییر شیوه پرداخت و پیمایش زمین‌ها، بخش فراوانی از زمین‌های بزرگان و اشراف و آتشکده‌ها جزو سیاهه پرداخت کنندگان مالیات به شیوه مقاسمه نبود و حال شاه قصد داشت با قرار دادن همه زمین‌های پادشاهی زیر چتر مالیات، کمبودهای گذشته را جبران کند. شاید کواد با پیمایش زمین‌ها به دنبال آن بود تا از وابستگی هر چه بیشتر درآمدهای پادشاهی به بزرگان و اشراف کاسته، امور مالی را در اختیار خود بگیرد.

برای پیمایش زمین‌ها، واحد گریو/ گریب یا جریب که یک دهم هکتار بود و شصت ذراع درازا و شصت ذراع پهنا داشت، به کار گرفته شد (خوارزمی، ۱۳۸۳: ۷۷؛ الریس، ۱۳۷۳: ۶-۲۹۵). کسانی هم که برای پیمایش در نظر گرفته شدند، کارگزاران شاهی بودند. ویژگی بارز شیوه پیمایش این بود که در آن مساحت زمین و نوع محصول، شرط دریافت مالیات بود و نه میزان محصول. همین امر باعث می‌شد از زمین‌هایی که در آن کشاورزی نشده بود نیز مالیات دریافت کنند. این همان موضوعی است که برخی منابع از آن به منزله پیمایش زمین‌های کوه و دشت یاد کرده‌اند. به این ترتیب، شاه می‌توانست از همه زمین‌ها مالیات دریافت کند. در شیوه پیمایش، نخست نرخی ثابت برای یک مساحت

زمین، دارای نوسان بودند و این نوسان در میزان محصول، به تفاوت درآمدهای مالیاتی از یک سال به سال دیگر منجر می‌شد و در عمل پادشاهی را در مدیریت بودجه سالانه و اندوخته مالی با دشواری روبه‌رو می‌ساخت (Dandamayev, Gyselen, 2012; 639-646; Rubin, 2009). کشاورزان نیز به دلیل انتظار برای آمدن کارگزاران مالیاتی، ناگزیر بودند از برداشت فراورده‌های کشاورزی خودداری کنند و در عمل شاهد تباه شدن محصول خود باشند. این شیوه، دشواری‌های دیگری را نیز به همراه داشت؛ از یک سو با همه ایلات نیز در پرداخت مالیات به یکسان رفتار نمی‌شد و برخی ایلات ناگزیر بودند مالیات زمین بیشتر؛ یعنی یک سوم را پرداخت نمایند. از سوی دیگر، این شیوه به کارگزاران مالیاتی اجازه می‌داد تا نسبت سهم حکومت را بیشتر ارزیابی کنند و بخشی از محصول را برای خود بردارند. کارگزاران بیشتر نمایندگان بزرگان و اشراف زمینداری بودند که پیش از خسرو اداره امور مالی پادشاهی را در دست داشتند و ریاستشان با واستریوشانسالار بود. گویا در شیوه مقاسمه، این بزرگان زمیندار بودند که بر زمین مالیات می‌بستند و درصد اندکی از مالیات را با توجه به فاصله زمین‌ها از مرکز، به پادشاه پرداخت می‌کردند (Dandamayev, Gyselen, 2012: 639-646). این شرایط کواد را برانگیخت تا با پیمایش زمین‌ها، شیوه گردآوری مالیات را تغییر دهد.

پیمایش / مساحی: دستور کواد به پیمایش و اندازه‌گیری زمین‌ها موجبات تغییر شیوه پرداخت از مقاسمه به مساحی را فراهم نمود. اقدامی که درباره جزئیات آن نمی‌توان از گزارش‌های موجود آگاهی چندانی به دست آورد؛ زیرا پیمایش زمین‌ها در یکی دو جمله کوتاه، کلی و مبهم خلاصه شده‌است. بر اساس منابع، کواد دستور داد تا مساحان، زمین را از دشت و کوه

(Browne, 1900: 231). این موضوع با اعتراض یکی از دبیران روبه‌رو شد. شاه اعتراض دبیر مبنی بر نادیده‌گرفتن شرایط آب و هوایی، جنس خاک و نوع محصول را با محکوم کردن وی به مرگ پاسخ گفت و تنها به این بسنده کرد که تنی چند از رایزنان نیکخواه را برای بازنگری در شمار فراورده‌های کشاورزی و رعایت حال رعیت برگزیند تا بررسی‌هایشان را به او گزارش کنند.

اندکی بعد خواهیم دید که هم طبری و هم مسکویه، فردوسی و دینوری مواردی را گزارش می‌کنند که نشان می‌دهد شاه دستور داده بود در هنگام دریافت مالیات، بسیاری از آفت‌ها را در نظر گیرند و از میزان مالیات بکاهند. به هر حال، بررسی رایزنان شاهی به این نتیجه منتهی شد که بر خوراک مردم و ستوران شامل گندم، جو، برنج، تاک، سبزی، نخل و زیتون مالیات ببندند (مسکویه، ۱۳۶۹: ج ۱/۱۶۶؛ طبری، ۱۳۶۲: ج ۲/۴-۷۰۲؛ دینوری، ۱۳۸۱: ۱۰۰؛ بلعمی، ۱۳۸۳: ج ۱/۸۰-۶۷۹؛ یعقوبی، ۱۳۸۲: ج ۱/۲۰۳؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۴: ج ۵/۱۰۷). سیاست شاه در این مورد روشن بود؛ شاه نمی‌خواست زمانی که در مرزهای پادشاهی‌اش با دشواری روبه‌رو می‌شد، خزانه‌اش خالی و از گرفتن مالیات تازه ناچار باشد. هدف این بود که خطرات تهی بودن خزانه و پیامدهای ناشی از آن، تنگنایی ایجاد نکند و شاه همیشه از درآمدهایی ثابت از مالیات زمین و دیگر مالیات‌ها برخوردار باشد.

پس از تعیین نوع محصول، نوبت به تعیین نرخهای جدید مالیاتی متناسب با اندازه زمین و نوع محصول رسید. برای محاسبه نرخهای جدید، واحد پولی درهم یا سکه نقره رایج در نظر گرفته شد (مسکویه، ۱۳۶۹: ج ۱/۱۶۶؛ طبری، ۱۳۶۲: ج ۲/۴-۷۰۲؛ دینوری، ۱۳۸۱: ۱۰۰؛ بلعمی، ۱۳۸۳: ج ۱/۸۰-۶۷۹؛ یعقوبی، ۱۳۸۲: ج ۱/۲۰۳؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۴: ج ۵/۱۰۷). هر چند پرداخت

معین تعیین شد و دیگر شرایطی مانند آبادی و آبیاری زمین، وضع بارندگی، جنس خاک، باروری زمین، فراوانی محصول، دوری و نزدیکی زمین‌های کشاورزی به شهرها، رونق بازار و چگونگی آبیاری به حساب آورده نشد؛ زیرا در شیوه جدید، گستره و وسعت زمین برای شاه اهمیت داشت و برای نخستین بار شاه می‌توانست درباره گستره زمین‌های شاهی، زمین‌های بزرگان و اشراف، زمین‌های آتشکده‌ها و زمین‌های کشاورزان خرد آگاهی پیدا کند.

پیمایش زمین‌ها از پارس یا سواد شروع شده بود که کواد پیش از به پایان رساندن آن درگذشت و خسرو در نخستین سال‌های پادشاهی‌اش آن را به پایان رساند (ابن‌خردادزبه، ۱۳۷۰: ۳؛ یاقوت، ۱۹۷۹: ج ۳/۴-۲۷۳: Rubin, 1995: 242). به این ترتیب، گام نخست تغییر شیوه پرداخت مالیات از مقاسمه به پیمایش با پیمایش زمین‌ها برداشته شد و حال زمان آن رسیده بود که ایالت‌های پادشاهی را به حوزه‌هایی تابع اخذ مالیات تقسیم و مالیات مقرر را تعیین و اعمال نمایند (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۱-۷۰؛ یاقوت، ۱۹۷۹: ج ۳/۴-۲۷۳). سواد، پارس و خوزستان مهمترین حوزه‌های مالیاتی بودند و دیگر ایالت‌ها مانند کرمان، سپاهان، خراسان و غیره نیز لحاظ شده بودند (قدمه، ۱۳۷۰: ۱۳۸-۱۲۰).

گام بعدی، تعیین نوع فراورده‌های کشاورزی مشمول مالیات بود. طبری و مسکویه می‌گویند وقتی فراورده‌های کشاورزی مورد نظر، به همراه زیتون و نخل تعیین شدند و شاه اعلام کرد که قصد دارد «بر هر جریب نخل و زیتون و بر هر سر خراجی مقرر کند و آن را تا به سه قسمت در سال بگیرد تا در خزانه مالی فراهم نماید که اگر در یکی از مرزها یا یکی از ولایات خللی افتاد که نیاز به مقابله یا فیصل آن بود، مال آماده باشد و حاجت به خراج گرفتن نباشد» (مسکویه، ۱۳۶۹: ج ۱/۱۶۶؛ طبری، ۱۳۶۲: ج ۲/۴-۷۰۲؛

پرداخت کنندگان مالیات موظف شدند مالیات خود را نقدی پرداخت نمایند، نه جنسی؛ و این به این معنا بود که آنها می‌بایست فراورده‌های کشاورزی خود را در بازار و بر اساس بهای بازار به فروش می‌رساندند و سپس آن را به نقره رایج تبدیل و به کارگزاران مالیاتی پرداخت می‌کردند (طبری، ۱۳۶۲: ج ۷۰۲/۲؛ فرای، ۱۳۶۸: ۲۵۱؛ Crone, 1991: 33).

این برداشت که در سیاست مالیاتی جدید، تعیین پیشاپیش کل مقدار مالیات پرداختی و اعمال آن بر تک تک زمین‌ها، به زیان کشاورزان بود و این خطر را برای دارندگان زمین به همراه داشت که ناگزیر بودند مالیات از پیش تعیین شده را بدون توجه حکومت به شرایط آب و هوایی و محصول، در طی سه بازه زمانی در هر چهارماه و به صورت نرخهای ثابت پرداخت نمایند، طبیعی است (فردوسی، ۱۹۷۰: ج ۶۰/۸). روشن است که شاه در پی دریافت درآمد ثابتی بود که بر اندازه زمین تکیه داشت و نه بر میزان محصولی که هر سال آن را برآورد می‌کرد و به نسبت آن مالیات می‌گرفت (فرای، ۱۳۸۵: ۳۶۵؛ Crone, 1991: 33). با وجود این، منابع بر این نکته تاکید دارند که حکومت «صلاح رعیت و رفاه معاش آنها» را نیز در نظر گرفته بود و مردم پس از تعیین نرخهای جدید، در کار معاش نیرو گرفتند (طبری، ۱۳۶۲: ج ۷۰۳/۲). در واقع، در سیاست مالیاتی جدید، تلاش شده بود سازوکاری اندیشیده شود که هم منافع شاه تامین گردد و هم کشاورزان نسبت به محصولات خود آزادی عمل بیشتری داشته باشند (Rubin, 1995: 279). برای حفظ حداقلی منافع پرداخت کنندگان مالیات، خسرو دستور داده بود تنی چند از رایمندان نیکخواه، پیمایش زمین و شمار نخل و زیتون و شمار سر را بازرنگری کنند و تا حد ممکن، سنگینی باج از مردم بردارند تا بر آباد کردن زمین‌ها توانا شوند (مسکویه، ۱۳۶۹: ج ۱۷۱/۱). در بیست و هشتمین سال پادشاهی نیز

مالیات به صورت جنسی همچنان ادامه یافت. بر این اساس، مقرر شد که برای هر گریو تاکستان هشت درهم، هر گریو سبزی‌کاری / یونجه هفت درهم، بر هر گریو زمین گندم و جو، یک درهم، بر هر چهار نخل پارسی یک درهم، بر هر شش نخل معمولی یک درهم و از هر شش درخت زیتون نیز یک درهم مالیات دریافت کنند (مسکویه، ۱۳۶۹: ج ۱۶۶-۷/۱؛ طبری، ۱۳۶۲: ج ۷۰۲/۲؛ ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۶-۲۳۵). طبری به میزان مالیات بسته شده بر برنج / شالیزار اشاره‌ای نکرده؛ اما مسعودی برای هر گریو زمین برنج، از پنج ششم درهم (نیم درهم) که در منطقه سواد رایج بوده، یاد می‌کند (مسعودی، ۱۳۷۴: ج ۲۶۲/۲). گذشته از این، مقرر شد که برخی فراورده‌های کشاورزی مانند سبزیجات، کنجد، حبوبات و صیفی‌جات و پنبه نیز از بخشودگی مالیات برخوردار شوند. دلیل این بخشودگی شاید این بود که این محصولات برای مصرف خود زمین‌دار و خانوار تولید می‌شد. تک نخل‌ها نیز از بخشودگی مالیات بهره‌مند شد؛ چون فرض بر این بود که رهگذران ممکن است میوه‌های آن را بچینند و مصرف نمایند (طبری، ۱۳۶۲: ج ۷۰۳/۲؛ کریستن‌سن، ۱۳۷۵: ۴۸۷؛ آلتهایم، ۱۳۸۳: ۴۲). طبری نامی از چراگاه و مرتع نبرده است؛ اما مسعودی به مالیات زیاد هفت درهم برای یک مرتع در عراق اشاره می‌کند که آلتهایم دلیل آن را جلوگیری از تبدیل مراتع به چراگاه می‌داند (طبری، ۱۳۶۲: ج ۳/۲-۷۰۲؛ مسعودی، ۱۳۷۴: ج ۲۶۲/۱؛ آلتهایم، ۱۳۸۳: ۴۲؛ ویسهوفر، ۱۳۷۸: ۲۳۶).

سرانجام، به دستور خسرو مقرر شد زمان پرداخت مالیات‌های تعیین شده در سه بازه زمانی و هر چهار ماه یک بار انجام شود. به این ترتیب، پیمایش زمین‌ها، تعیین میزان مالیات فراورده‌های کشاورزی بر اساس وسعت زمین و تعیین گونه‌های محصول، طی چند مرحله در زمان خسرو به انجام رسید و از این پس،

خسرو دستور بازنگری در باج و کاستن آن را صادر کرد (مسکویه، ۱۳۶۹: ج ۶/۱-۱۷۱).

سیاست مالیاتی جدید تابع سازوکاری نظارتی به سرکردگی موبدان در مقام داوران بخش‌های مالیاتی بود و خسرو دستور داده بود در کنار کارگزار هر شهر، مردی استوار بگمارند تا بر کار وی نگرانی نماید. داوران هر خوره و دبیر و کارگزار هر شهر، موظف شدند آمارشان را به دیوان گزارش کنند (مسکویه، ۱۳۶۹: ج ۶/۱-۱۷۱). به داوران ایالات دستور داده شده بود کارداران ایالات (عمال‌الکور) را از دریافت مالیات بیشتر از آنچه در نسخه دیوان آمده بود، بازدارند و کسانی را که محصولشان دچار آفت شده بود، به اندازه آفت، از مالیاتشان کم کنند و یا مالیات بر آنها ببخشند (طبری، ۱۳۶۲: ج ۷۰۴/۲؛ دینوری، ۱۳۸۱: ۱۰۰). زیان ملخ، تف خورشید، تف باد، نابارندگی و خشکسالی، مهمترین آفت‌های احتمالی تولیدات کشاورزی بودند که در نظر گرفته شد (فردوسی، ۱۹۷۰: ج ۱/۸-۶۰؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۴: ج ۱۰۸/۵). گذشته از این، به هر داور دستور داده شده بود بی‌آگاهی گردآورندگان مالیات (کارداران مالیاتی) یا دارندگان زمین، تمام مالیات دهندگان (اهل الخراج) را فراخوانند و هر گونه ستم و بیدادی را که بر آنها رفته، به شکل سند مهر شده تهیه و در حضور بزرگان، والیان و شاهان کوچک، داوران و بزرگان (احرار، اشراف) گزارش نمایند (مسکویه، ۱۳۶۹: ج ۶/۱-۱۷۱؛ ویسپوف، ۱۳۷۸: ۲۲۰)؛ حتی شاه برای اطمینان از اجرای درست سیاست‌هایش، کارآگاهانی را به بخش‌های گوناگون کشور فرستاده بود (فردوسی، ۱۹۷۰: ج ۵۸/۸). روی هم رفته، این سازوکار نشان می‌دهد که در سیاست مالیاتی جدید، شاه قصد داشت بیش از پیش مردم را بر دارایی‌ها و خواسته‌هایشان؛ به ویژه زمین، چیره گرداند و به آنها اجازه دهد که حاصل کوشششان را که به خود آنها تعلق داشت، به هنگام برداشت کنند. این سیاست به پرداخت کنندگان مالیات

اجازه دخل و تصرفی در محصول تولیدیشان را می‌داد و در عین حال، دست کارگزاران مالیاتی را تا حدودی از تعدی نسبت به آنها باز می‌داشت.

مالیات سرانه

بخش دیگری از اصلاح مالیاتی، بر مالیات سرانه یا گزیت، متمرکز بود. تا پیش از کواد و خسرو، میزان مالیات سرانه‌ای که از مردم می‌گرفتند، معین بود. سرشماری جدید به خسرو کمک کرد تا مالیات سرانه را نیز بازبینی کند. پس از سرشماری مردم، گزارش گروه بررسی مالیات سرانه بر این مبنا قرار گرفت که مالیات سرانه از هر مرد بیست تا پنجاه ساله دریافت گردد و مردان زیر بیست و بالای پنجاه سال نیز معاف شوند. بنابراین، کسانی که خردسال بودند یا از سن پنجاه سالگی گذشته یا از دنیا رفته بودند، از پرداخت مالیات سرانه معاف (طبری، ۱۳۶۲: ج ۷۰۴/۲؛ مسکویه، ۱۳۶۹: ج ۱۶۸/۱، ۱۷۱) و بینوایان و مردم بیمار زمین‌گیر نیز مشمول بخشودگی شدند (دینوری، ۱۳۸۱: ۱۰۰). تا پیش از سرشماری جدید، همه مردم موظف به پرداخت مالیات سرانه معین بودند؛ اما در سیاست جدید به درجه‌بندی پرداخت کنندگان اقدام کردند و ملاک درجه‌بندی را توانگری و تنگدستی افراد قرار دادند که بر اساس آن، توانگران موظف شدند دوازده درهم، افراد میانه هشت درهم و افراد فرودست و کم‌توان شش درهم مالیات پرداخت نمایند (طبری، ۱۳۶۲: ج ۴/۲-۷۰۲؛ مسکویه، ۱۳۶۹: ج ۱۶۸/۱). همچنین، مقرر شد پرداخت کنندگان مالیات سرانه، مالیات خود را سه بار و هر چهار ماه یکبار پرداخت کنند. با اینکه برخی اقشار مانند اعضای خاندان‌های بزرگ، جنگاوران، هیربدان، دبیران و آنها که در خدمت شاه بودند، از بخشودگی این مالیات برخوردار شدند؛ اما برای خنثی نمودن این بیداد و تبعیض، مردان کمتر از بیست و بالاتر از پنجاه سال را معاف کردند (طبری،

کشاورزی و درآمد مالیاتی پادشاهی ساسانی را تشکیل می‌داد. گزارش‌هایی درباره بازسازی دهکده‌های ویران، ساخت و بازسازی پلها، ساخت دژها و پادگان‌هایی برای نگهداری از راه‌ها و ساخت جوی‌ها و کانال‌هایی برای آبیاری زمین‌های کشاورزی، به دستمان رسیده؛ اما کوتاه و کلی هستند و جزئیات زیادی در اختیارمان قرار نمی‌دهند (طبری، ۱۳۶۲: ج ۶۴۹/۲؛ فردوسی، ۱۹۷۰: ج ۵۹/۸؛ کریستن‌سن، ۱۳۷۵: ۴۸۷؛ آلتهایم، ۱۳۸۳: ۱۵۸؛ Euty chius, 1906: 207). آنچه از منابع موجود می‌توان به دست آورد، از این قرار است که در کنار واگذاری بخشی از دارایی‌هایی غصب شده به دست مزدکیان به تهیدستان، (طبری، ۱۳۶۲: ج ۶۴۸/۲) به کشاورزان بی‌زمین یا کشاورزانی که زمینشان را از دست داده بودند، زمین و تخم واگذار شد تا کشت کنند و زمین‌های ویران را آباد نمایند (بلعمی، ۱۳۸۳: ج ۶۸۵/۲). کمک‌های مالی فراوانی به صورت بخشش یا وام در اختیار کشاورزان و اصحاب‌العماره یا آبادی‌کوش‌ها قرار داده شد تا به کشاورزی بپردازند (طبری، ۱۳۶۲: ج ۶۴۹/۲). شاید در اینجا مقصود از اصحاب‌العماره یا آبادی‌کوش‌ها، اشراف زمین‌دار (دارندگان/صاحبان عمارت/بناها) بودند (طبری، ۱۳۶۲: ج ۷۰۳/۲) که با این وام بدهکار خزانة شاهی گردیدند (آلتهایم، ۱۳۸۳: ۱۵۸). افزون بر این بخشش‌ها، سیاست بخشودگی مالیات کشاورزان در برابر آفت‌های طبیعی نیز که پیشتر به آن پرداختیم، اجرا شد. واگذاری زمین به کشاورزان بی‌زمین یا پرداخت پول و دادن وام به آنها ممکن است این تفسیر را به دنبال داشته باشد که شاه در سیاست جدید قصد داشت شبکه زمین‌های کوچک و محدود را که گردآوری مالیات‌هایشان آسانتر بود، حفظ کند و در عوض، با واگذاری زمین‌ها تلاش کند از رشد فزاینده املاک و قلمروهای بزرگ و گسترده که مالکان نیرومندشان در پی انباشت امتیازات و منافع خود بودند و مانع اجرای

۱۳۶۲: ج ۷۰۳/۲؛ مسکویه، ۱۳۶۹: ج ۱۶۸/۱، فردوسی، ۱۹۷۰: ج ۵۸/۸؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۴: ج ۱۰۸/۵؛ نولدکه، ۱۳۷۸: ۷۰-۲۶۶؛ کریستن‌سن، ۱۳۷۵: ۴۸۸؛ آلتهایم، ۱۳۸۳: ۴۴). نویسنده تاریخ قم بخشودگی هفت طبقه از پرداخت مالیات سرانه در زمان خسرو را گزارش کرده‌است: «و جزیه بر سر نهاد آلا از چند کس که ایشان را از جزیه معاف و مسلم داشت: اول اهل بیوتات دوّم طایفه زنان سیم کتاب و اهل علم از طلبه و حفاظ و غیر آن چهارم جمعی که برسم خدمتکاری پیش دیگران باشند و خدمت ایشان کنند پنجم هر آنک سال او به بیست نرسیده باشد یا از پنجاه گذشته باشد ششم از طایفه درویشان از عجزه و مساکین هفتم جمعی که بسبب علت و مرض از جای بر نتوانند خاست و آنچنان کسی را زمینی می‌گویند و مانند آن از کور و شل و مفلوج و غیر آن و کسری انوشیروان بفرمود تا به سه دفعه بستانند.» (قمی، ۱۳۶۱: ۱۷۹)

سرانجام پس از اینکه میزان مالیات زمین و سرانه تعیین شد، برای جلوگیری از هر گونه دخل و تصرف در میزان مالیات و زیاده‌خواهی کارگزاران مالیاتی، شاه دستور داد از میزان مالیات سه رونوشت تهیه کنند (طبری، ۱۳۶۲: ج ۷۰۳/۲؛ نولدکه، ۱۳۷۸: ۲۷۱؛ کریستن‌سن، ۱۳۷۵: ۴۸۸؛ آلتهایم، ۱۳۸۳: ۴۲؛ Euty chius, 1906: 207). به گزارش طبری، نسخه‌ای در دیوان نهاده شد و نسخ دیگر در اختیار کارداران خراج (عمال‌الخراج) و داوران ایالات قرار گرفت (طبری، ۱۳۶۲: ج ۷۰۳/۲). فردوسی، از سپردن سه روزنامه گزیت و باژ به فرمان شاه به موبد، گنجور و مهتران و نامداران یاد می‌کند (فردوسی، ۱۹۷۰: ج ۵۸/۸).

احیای کشاورزی

سیاست‌های مالیاتی جدید، رابطه‌ای مستقیم و تنگاتنگ با اصلاحات در بخش کشاورزی داشت. دستیابی به درآمدهای مالیاتی بیشتر در گرو بازسازی روستاها و زیرساخت‌های کشاورزی بود که اساس و پایه اقتصاد

کارآمد نظام مالیاتی می‌شدند، جلوگیری نماید (Rubin, 2009).

تامین آب کافی برای زمین‌های کشاورزی و اصلاح در شبکه‌های آبیاری، از جمله کارهای مهمی هستند که منابع در بخش کشاورزی به خسرو نسبت می‌دهند. مدیریت آب مسأله‌ای حیاتی در بخش کشاورزی در فلات ایران و سرزمین میانرودان به شمار می‌رفت. رودخانه‌های کارون، دز و کرخه در ایران، و دجله و فرات در میانرودان، نقش بسزایی در گسترش و شکوفایی تولیدات کشاورزی داشتند و اقدامات خسرو انوشیروان، گسترش کشاورزی مبتنی بر آبیاری و تاسیس سکونتگاه‌های بسیار در خوزستان و عراق را در سده ششم میلادی به همراه داشت (Adams, 1965: 70). منابع، ساخت کانال بزرگی را که از دجله سرچشمه می‌گرفت و مشکل بزرگ کم‌آبی منطقه را حل کرده بود، به خسرو نسبت می‌دهند. این کانال حدود ۱۰۰ کیلومتر درازا داشت (یاقوت، ۱۹۷۹: ج ۲/۳۹۱، ج ۴/۲۹۷؛ Adams, 1965: 76). همچنانکه آدامز گفته، چنین کارهای مهندسی به طرح و سرمایه فراوان نیاز داشت و تنها پس از تهیه و اجرای اصلاح مالیاتی ممکن بود (Adams, 1965: 82).

شکافی که در زمان کواد، در سد دجله، در کسکر پایین، نزدیک ناحیه میشان، ایجاد شده بود و بسیاری از مزارع را آب فرا گرفته بود، در زمان انوشیروان، بازسازی شد. در سال‌های پایانی پادشاهی خسروپرویز و در زمان لشکرکشی هراکلیوس، به دنبال طغیان دوباره دجله و فرات، چندین سد در هم شکست و خسرو با اینکه مقادیر فراوانی زر و سیم به کارگران پرداخت کرد تا در یک روز چهل سد بسازند؛ اما این کوشش سودی به دنبال نداشت و زیان‌های وارده به سدها و کانال‌های آبیاری جبران نشد. این رویدادها نشان می‌دهند که تنها حکومت مرکزی قادر بود در برابر طغیان رودخانه‌ها، اقدام به بازسازی سدها و بندهای حیاتی برای

کشاورزی نماید (طبری، ۱۳۶۲: ج ۲/۷۴۱). بعدها در پی یورش اعراب نیز کار بازسازی سدها فراموش شد و بسیاری از زمین‌های قابل کشت به مرداب و نیزار تبدیل شدند (بلاذری، ۱۳۶۴: ۵۳؛ طبری، ۱۳۶۲: ج ۲/۳-۷۴۱؛ مسعودی، ۱۳۴۹: ۵۳؛ همو، ۱۳۷۴: ج ۱/۱۰۱؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۴: ج ۵/۱۸۰؛ لسترنج، ۱۳۷۷: ۳۰-۲۹؛ کریستن‌سن، ۱۳۷۵: ۶۴۰).

روی هم‌رفته، اصلاح مالیات، درآمد مالی فراوان و پایداری را نسبت به گذشته برای شاه به همراه داشت، سرمایه‌گذاری در امر کشاورزی را دو چندان نمود و بستری فراهم کرد که در آن به صاحبان قدرت امکان داد هر چه بیشتر شرایط خاک را در مناطق گوناگون کشور دریابند و ذخایر و منابع را به روش سودآورتری به کار گیرند (Campopiano, 2009: 3). این اصلاحات یک روی دیگر نیز داشت و آن اینکه در نظارت و اجرای طرح‌های کلان کشاورزی و آبیاری و دیگر اقدامات عمومی، نقش حکومت و سازمان مرکزی اداری آشکار و مبتنی بر ملاحظات سیاسی بود. توانایی حکومت در مدیریت این طرح‌های بزرگ، امکان حضور هر یک از اشرار جامعه را برای مدیریت آنها، به شدت کاهش داده بود و همین باعث شده بود که تداوم اجرای این طرح‌ها، تنها وابسته به حکومت مرکزی و شخص شاه باشد. به سخن دیگر، نظام اصلاحات خسرو بر تعادلی ظریف و دقیق متکی بود که تنها یک پادشاهی نیرومند می‌توانست آن را در بهترین زمان نگاه دارد؛ به ویژه اینکه، امپراتوری گسترده‌ای مانند امپراتوری ساسانی، با وجود مرزهای گسترده، دستخوش خطرهای فراوان و موجودیت و هستی آن همواره در حال تهدید بود.

نتیجه

به طور کلی، بررسی سیاست‌های مالیاتی خسرو نشان می‌دهد که هدف سیاست‌های جدید، تاسیس نظام

زمین دار کهن، امکان پذیر و نقش کارگزاران شاهی در گردآوری مالیات در همه سطوح، مهمتر از گذشته شد. سازوکار جدید، رئیس امور مالی، داور، امین مردم کشور و دبیر حکومتی (شهردبیر یا دبیرالکوره؛ گردآورنده مالیات شاهی را که به منطقه فرستاده می شد، موظف می کرد به شاه گزارش دهد) پرداخت کنندگان مالیات هر ناحیه، در شهر اصلی و مرکزی هر استان، همراه با رئیس (به احتمال رئیس امور مالی)، داور و امین گرد هم می آمدند تا درباره مشکلاتشان با نمایندگان شاه به گفتگو بنشینند.

منابع

- آسانا، جاماسب جی. (۱۳۸۲). *متن های پهلوی*، ترجمه سعید غریان، تهران: میراث فرهنگی.
- آلتهایم، فرانتس و استیل، روت. (۱۳۸۲). *تاریخ اقتصاد دولت ساسانی*، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ایریثم کار، صدیقه، خراج (۲)، دانشنامه جهان اسلام، <http://www.encyclopaediaislamica.com/madkhal2.php?sid=6957>
- ابن بلخی. (۱۳۷۴). *فارسنامه*، توضیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، شیراز: بنیاد فارس شناسی.
- ابن حوقل. (۱۳۶۶). *صوره الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم. (۱۳۷۰). *مسالك و ممالک*، ترجمه حسین قره چانلو، تهران: نشر مترجم.
- ابن اثیر، عزالدین علی. (۱۳۷۴). *تاریخ کامل*، ترجمه محمدحسین روحانی، ج ۲ و ۴، تهران: اساطیر.
- ابن آدم. (۱۳۴۷). *کتاب الخراج*، چاپ احمد محمد شاکر، قاهره.
- ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم. (۱۳۹۷). *کتاب الخراج*، چاپ قصی محب الدین خطیب، قاهره.
- اجتهادی، ابوالقاسم. (۱۳۴۹). *دانشکده الهیات*، نشریه گروه تحقیقاتی.

مالیاتی جدیدی بود که دستیابی به درآمدهای پیش بینی شده و هزینه های بودجه را امکان پذیر سازد. گرانگه این سیاست، اعمال نرخ های ثابت بر واحدهای منطقه ای بر اساس نوع محصول کشاورزی همان مناطق بود. پی بردن به تاثیر سیاست های جدید بر زندگی مردم، به ویژه کشاورزان، کارگران (روستاییان) و پیشه وران و بازرگانان (شهریان) دشوار است؛ اما نکته روشن در منابع به چشم می خورد و آن اینکه هدف از اصلاحات این بود که به اندازه کافی برای تامین رفاه و خوشبختی پرداخت کنندگان مالیات، مدارا در پیش گرفته شود؛ هرچند افزایش درآمدهای فرمانروا نیز نادیده گرفته نشده بود. در کوتاه زمان، اقداماتی مانند پیمایش همه زمین های کوه و دشت، زیر پوشش قرار دادن همه زمین های شاهی، زمین های بزرگان و اشراف زمین دار، بازراری از تمرکز زمین ها در دست زمینداران بزرگ، واگذاری زمین به بزرگان فرودست دیهگان، بازگرداندن زمین ها به مالکان آنها، واگذاری دارایی های بی خدائوند به درویشان و مستمندان، بخشودگی مالیاتی برای زمین های آفت زده، تخصیص مبالغ فراوان برای سرمایه گذاری و بازسازی دهکده های ویران، ساخت و بازسازی پل ها، ساخت بناها، کاروانسراها، دژها و پادگان هایی برای نگهداری از راه ها و تامین امنیت آنها، ساخت جوی ها و کانال هایی برای اجرای طرح های بزرگ آبیاری در دشت های پهناور، برآوردن بندها، کندن آبراه ها و پرداخت وام به اصحاب العماره یا آبادی کوش ها، در گسترش کشاورزی - هرچند بیشتر میانرودان و دشت های خوزستان و شاید پارس را در بر گرفته بود- و شکوفایی تجارت داخلی، کارآمد بود و برای مدتی نشان داد که نظام جدید دارای نظمی عالی و کارآمد است. در سیاست جدید، درآمدهای شاهی از زمین و مالیات سرانه دوچندان شد.

به نظر می رسد در نظام مالیاتی جدید، گردآوری مالیات از زمین های شاهی و زمین های بزرگان و اشراف

- (۱۳۶۳). بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوره امویان، تهران: سروش.
- باقری، مه‌ری. (۱۳۸۰). واج شناسی تاریخی زبان فارسی، تهران: قطره.
- بریان، پیر. (۱۳۸۱). امپراتوری هخامنشی، ترجمه ناهید فروغان، ج ۱، تهران: قطره و فرزاد روز.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۳۶۴). فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران: سروش.
- بلعمی، ابوعلی محمد بن. (۱۳۸۰). تاریخنامه طبری، به تصحیح محمد روشن، تهران: سروش.
- پروکوپیوس. (۱۳۶۵). جنگ‌های ایران و روم، ترجمه محمد سعیدی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ثعالبی، حسین بن محمد. (۱۳۸۵). شاهنامه ثعالبی ترجمه محمود هدایت، تهران: اساطیر.
- جهشیاری، محمد بن عبدوس. (۱۴۰۸). کتاب الوزراء و الکتاب، بیروت.
- حدود العالم. (۱۳۵۲). تصحیح جلال‌الدین طهرانی، تهران: [بی‌نا].
- خوارزمی، ابو عبدالله. (۱۳۸۳). مفاتیح العلوم، ترجمه حسین خدیو جم، تهران: علمی و فرهنگی.
- دینوری، ابوحنیفه. (۱۳۸۱). اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نی.
- ال‌ریس، ضیاء‌الدین. (۱۳۷۳). خراج و نظام‌های مالی دولت‌های اسلامی، ترجمه فتحعلی اکبری، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- شییمان، کلاوس. (۱۳۸۳). تاریخ شاهنشاهی ساسانی، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: میراث فرهنگی.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۶۲). تاریخ طبری، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- بریان، سعید. (۱۳۸۲). راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه، تهران: میراث فرهنگی.
- فرای، ریچارد. (۱۳۶۸). تاریخ سیاسی ایران در دوران ساسانیان، مجموعه کمبریج، ج ۳، بخش ۱، گردآورنده: جی. آ. بویل، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- (۱۳۸۲). تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- (۱۳۸۵). میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۹۷۰). شاهنامه، به تصحیح رستم علی یف، زیر نظر ع. آذر، ج ۸، مسکو: دانش شعبه خاور.
- فرهنگ، منوچهر. (۱۳۵۴). فرهنگ علوم اقتصادی، تهران: توس.
- قدامه، جعفر الکاتب بغدادی. (۱۴۰۸). خراج و صنعت‌الکتابه، دارالاحیاء التراث العربی.
- قمی، حسن بن محمد. (۱۳۶۱). تاریخ قم، ترجمه جلال‌الدین تهرانی، تهران: توس.
- کریستن سن، آرتور. (۱۳۷۵). ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.
- کارنامه اردشیر پاپیکان. (۱۳۷۸). ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: دانشگاه تهران.
- کنت، رولاند. (۱۳۷۹). پارسی باستان، ترجمه سعید بریان، تهران: حوزه تبلیغات اسلامی.
- گردیزی، عبدالحی. (۱۳۴۷). زین الأخبار، تصحیح و تحشیه عبدالحی حبیبی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- لسترنج، گی. (۱۳۷۷). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی فرهنگی.
- ماوردی، ابوالحسن. (۱۳۸۳). آیین حکمرانی، ترجمه و تحقیق حسین صابری، تهران: علمی فرهنگی.
- مجمل التواریخ و القصص. (۱۳۸۳). تصحیح محمد تقی بهار، تهران: دنیای کتاب.
- مخزومی، علی بن عثمان. (۱۹۸۶). المنتقی من کتاب المنهاج فی علم خراج مصر، چاپ کلود کاهن، قاهره.

the Arabic Work Entitled 'Nihayatu'l-irab fi akhbari'l-Furs wa'l-'Arab', Particularly of That Part which Treats of the Persian Kings", JRAS.

-Campopiano, Michele, (2009) *Irrigation and taxation in Iraq 6th to 10th Century*.

-Crone, Patricia, (1991) *Kav d's Heresy and Mazdak's Revolt*, Iran, Vol. 29,

Dandamayev, Mohammad A. Rika

-Gyselen, (2012) *Fiscal system i.*

Achaemenid, ii. Sasanian, Vol IX, Fasc. 6.

-Eutychius, *Annales*, (1906) Ed. L.

Cheikho, part i (Beirut, Paris and Leipzig,

-Floor, W. (2011) B J, *Encyclopaedia*

Iranica, ed. Ehsan yarshater,

www.iranicaonline.com, Vol. III, Fasc. 5.

-Rubin, Zeev, (1995) *The Reforms of*

Khusro Anûshirwân, in *The Byzantine*

and Early Islamic Near East. III: States,

Resources and Armies, Ed by A.

Cameron, Princeton.

- Rubin, Zeev, (2009) *osrow I ii.*

Reforms, *Encyclopaedia Iranica*, ed. Ehsan

yarshater, www.iranicaonline.com,

-Schindel, Nikolaus, (2012) *Kaw d I i.*

Reign, [http:// www.iranicaonline.com/](http://www.iranicaonline.com/articles/kawad-i-reign)

articles/kawad-i-reign, ed. E.Yarshater.

-Schwartz, Martin, *The Etymology of*

Arabic xar j, Revisited. [http:// nes.](http://nes.berkeley.edu/Web_Schwartz/Schwartz.html)

[berkeley.edu/Web_Schwartz/Schwartz.ht](http://nes.berkeley.edu/Web_Schwartz/Schwartz.html)

[ml](http://nes.berkeley.edu/Web_Schwartz/Schwartz.html)

..

- مستوفی، حمدالله. (۱۳۳۹). *تاریخ گزیده*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: امیر کبیر.

- مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۴۹). *تنبیه الاشراف*،

ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنگاه نشر و ترجمه

کتاب.

----- (۱۳۷۴). *مروج الذهب و*

معادن الجواهر، ج ۱، ترجمه ی ابوالقاسم پاینده، تهران:

علمی و فرهنگی.

- مسکویه، ابوعلی. (۱۳۶۹). *تجارب الامم*، ج ۱، ترجمه

ابوالقاسم امامی، تهران: سروش.

- مکنزی، دیوید. (۱۳۸۳). *فرهنگ کوچک زبان پهلوی*،

ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم

انسانی و مطالعات فرهنگی.

- موسی زاده، رضا. (۱۳۸۸). *مالیه عمومی*، تهران: میزان.

- نولدکه، تئودور. (۱۳۷۸). *تاریخ ایرانیان و عربها در*

زمان ساسانیان، ترجمه عباس زریاب خویی، تهران:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- ویسهوفر، یوزف. (۱۳۷۸). *تاریخ ایران باستان*، ترجمه

مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس.

- یاقوت بن الحموی، شهاب الدین. (۱۹۷۹). *معجم*

البلدان، ج ۳، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

- یعقوبی، احمد بن اسحاق. (۱۳۸۲). *تاریخ یعقوبی*،

ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ج ۱، تهران: علمی فرهنگی.

-Adams, R. McC (1965) *Land behind*

Baghdad. A History of settlement on the

Diyala plain, Chicago and London.

Browne, E. G. (1900) "*Some Accounts of*



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی